## منواکسید کربن عامل ۱۶ درصد مرگ‌های ناشی از مسمومیت

دبیر ستاد مرکزی اطلاع‌رسانی دارو و سموم سازمان غذا و دارو با بیان این‌که مسمومیت ناشی از منواکسید کربن در نقاط سردسیر کشور شایع‌تر است، گفت: منواکسید کربن عامل ۱۲ تا ۱۶ درصد مرگ‌های ناشی از مسمومیت است.

به گزارش ایرنا، یسنا بهمنش با اشاره به این‌که مسمومیت ناشی از منواکسید کربن به دلیل استفاده از وسایل گرمایشی گازسوز مانند بخاری، آبگرمکن و پکیج در فصل سرما شایع است، افزود: بیش از ۲۰۰۰ نفر در سال گذشته به دلیل مسمومیت با منواکسید کربن به بیمارستان‌های سراسر کشور مراجعه کرده و براساس آمار پزشکی قانونی کشور ۷۶۶ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند.

وی عنوان کرد: براساس آمار سازمان پزشکی قانونی کشور، میزان مرگ و میر ناشی از منواکسید کربن در پنج ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۴/۵ درصد کاهش داشته و از ۲۰۷ نفر به ۱۷۷ نفر رسیده است.

دبیر ستاد مرکزی اطلاع‌رسانی دارو و سموم سازمان غذا و دارو ادامه داد: بیشترین تعداد مراجعات با مسمومیت منواکسید کربن در شهرهای تبریز، ارومیه و گلستان گزارش شده است. وی با بیان این‌که مولکول‌های منواکسید کربن جای مولکول اکسیژن را در بدن گرفته و وارد اندام‌ها می‌شوند، تصریح کرد: بالا رفتن غلظت منواکسید کربن در بدن سبب خفگی و مرگ می‌شود. همچنین بخاری‌هایی که با سوخت فسیلی کار می‌کنند یا بخاری‌های بدون دودکش و غیراستاندارد، تنورهای نانوایی، اجاق‌های گازی، موتورهای بنزینی و گازوئیلی، کباب‌پز زغالی و شومینه منبع تولید گاز منواکسید کربن هستند.

## رایزنی برای ابطال معاینه فنی خودروهای تصادفی

دبیر شورای‌عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور از احتمال ابطال معاینه فنی معتبر بعد از وقوع تصادف خبر داد و گفت: در حال مذاکره با پلیس راهنمایی و رانندگی هستیم تا بتوانیم بعد از این حوادث، گواهی معاینه فنی معتبر را باطل کنیم.

به گزارش ایسنا، پوریا محمدیان یزدی با بیان این‌که در بررسی عوامل تصادفات به این نتیجه رسیدیم نقص خودرو که در معاینه فنی محرز شده است، نقش مهمی در بروز تصادفات دارد، افزود: اگر خودرویی گواهی معاینه فنی را دریافت کند، اما روز بعد بنابر حادثه‌ای با خودروی دیگری تصادف کند، به طوری که در این تصادف جلوبندی ماشین تغییر شکل دهد، قطعا آن خودرو دیگر از سلامت و ایمنی برخوردار نخواهد بود، زیرا ضربه‌ای به آن وارد شده و حتی اگر آن خودرو دوباره در تعمیرگاه به شکل اول خود باز گردد برای اطمینان از سلامت و ایمنی دوباره نیازمند بررسی مجدد است.

محمدیان ادامه داد: به همین دلیل در حال مذاکره با پلیس راهنمایی و رانندگی هستیم تا بتوانیم بعد از این حوادث، گواهی معاینه فنی معتبر را باطل کنیم. یعنی یا کارشناس مربوط سر صحنه تصادف اطلاعات خودروها را به سامانه سیمفا ارسال کند یا هنگام مراجعه رانندگان به واحد خسارت بیمه، از طریق این سازمان اطلاعات مربوط به سامانه سیمفا برای باطل شدن معاینه فنی ارسال شود.

دبیر شورای‌عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور تصریح کرد: شهروندانی هستند که قبل از اتمام دوره یکساله معاینه فنی و حتی هرچندماه یکبار خودروهایشان را چک می‌کنند. در حقیقت این بینش و فرهنگی است که همه باید به آن برسند و فقط از روی اجبار و قانون برای بررسی سلامت خودرو مراجعه نکنند. وی بیان کرد: در حوزه ترافیک به این نتیجه رسیدیم که باید سطح فرهنگ مردم ارتقا یابد و اگر امروزه این ارتقای فرهنگ ترافیکی را در سطح شهر شاهد نیستیم به دلیل این است که دستگاه‌های مربوط و متولی در این زمینه ضعیف کار کرده‌اند. به عبارت دیگر کسی که آیین نامه راهنمایی و رانندگی را گذراند و گواهینامه دریافت کرد نباید رفتاری نامناسب هنگام رانندگی داشته باشد.

## تامین ۴ قلم داروی خارجی

علی فرجی، مدیرعامل سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال‌احمر از تامین چهار قلم داروی خارجی مورد نیاز بیماران خبر داد. وی افزود: داروی مورد نیاز بیماران شامل «آمپول گلوکانتیم داروی موثر در درمان سالك»، «آمپول روگام آنتی D مربوط به عدم انطباق RH خون مادر و جنین»، «قرص مرکاپتوپورین برای بیماران سرطان» و «آمپول کزاز» طبق مجوز دریافتی از سازمان غذا و دارو در مورد واردات داروهای فوریتی تامین شده است. / ایرنا

## پیشنهاد افزایش ۱۲/۵ درصدی نرخ پارکومترها

محمدعلی کرونی، دبیر کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران گفت: کمیسیون حمل و نقل شورا پیشنهاد کرده ۱۲/۵ درصد به نرخ پارکومترها که مربوط به سال ۹۵ است، اضافه شود. به گفته وی نرخ‌های جدید پارکومتر هنوز در شورای شهر به تصویب نرسیده است. کرونی افزود: لایحه نرخ پارکومترها سال گذشته به دلیل ایرادات اساسی که داشت توسط شورا به شهرداری برگشت خورد و قرار بود بعد از اصلاحاتی به شورا برگشت داده شود. / مهر

وزارت بهداشت تخمین زده که حدود صدهزار اچ‌آی‌وی‌مثبت در ایران زندگی می‌کنند درحالی که فقط ۳۶ هزاروا ندی نفر از بیماری‌شان خبر دارند

### اچ‌آی‌وی مثبت‌ها از ناآگاهی‌های جامعه و درد و رنج‌هایشان می‌گویند

# دردِ انگِ ایدز

مریم خباز

جامعه

**هزار بار پرسیده بود چرا، چرا من، دنیا هوار شده بود روی سرش، پرسیده بود چرا من، ضجه زده بود، روی خراشیده بود، موی کنده بود، پرسیده بود چرا من. چرا او؟ راست می‌پرسید، چرا او، زیر آن چادر، پشت آن روی گرفته، زیر آن همه نجابت، چرا او؟ درد پیچیده بود توی دلش، رفته بود بیمارستان، پذیرش شده بود، رفته بود اتاق جراحی، سِرَش کرده بودند، دراز مانده بود روی تخت، همه چیز حالی‌اش بود، شکمش را شکافتند، خون زده بود بیرون، لباس سبزها اُف و ایش کردند، شکمش را کش و واکش کردند و بچه را کشیدند بیرون، شکمش باز مانده بود، همه رفته بودند، افسانه روی تخت اشك ریخته بود که چرا من؟ هزار بار پرسیده بود چرا من؟ به ملحفه چنگ زده بود، به ساعت خیره مانده بود، به اتاق خالی سبز، به آن همه تنهایی، بعد دوباره پرسیده بود چرا من؟ پرستار آمده بود، نگاهش بد بود، افسانه نوزادش را خواسته بود، پرستار روی ترش کرده بود، داد زده بود که بچه را می‌خواهی چه؟ گفته بود آن هم لنگه تو. «لنگه تو» خورده بود توی صورت افسانه، اشك باز هم دویده بود توی چشم‌هایش، هق هق جا خوش کرده بود توی گلویش و «چرا من» که ول کنش نبود.**

روی مبل چرمی اتاق جابه‌جا می‌شود، چادرش را مرتب می‌کند و روسری را دور صورتش کیپ‌تر می‌بندد و نم گوشه چشم را با دستمالی مچاله می‌گیرد. آن نوزاد علی بود، افسانه هم همین افسانه که نشسته است روبه‌رویم، پاك، نجیب، بی‌گناه، قربانی. علی که می‌خواست متولد شود سه ساعت شکم افسانه را بازگذاشته بودند به گناه ایدز، به گناه نکرده، به گناه شوهرش، به گناه مردی خطاکار که بیراه رفته بود یواشکی، که افسانه بی‌خیر بود که وقتی شکمش را باز گذاشته بودند و کسی نبود چند بخیه به زخمش بزند و خلاصش کند. شنیده بود «اگر بمیرد چه می‌شود، یك هرزه کم»، آن وقت بازهم با ضجه از خودش پرسیده بود چرا من، زار زده بود، توی سرش کوبیده بود، مرگ را صدا زده بود و خواسته بود نباشد.

بسیاری از زن‌های اچ‌آی‌وی مثبت قربانی ایدزند، این را نه این که خودشان بگویند که آمارها می‌گوید، که محمدرضا قاسمی که بانی راه‌اندازی اتوبوس‌های ایدز است، می‌گوید و جواد که خودش یك مثبت است. جواد شوخ و شنگ است؛ سبزه‌رو و لاغراندام، همسر دوم همین افسانه و پدرخوانده آن علی که بند نافش را با حرف‌های سرد بریده‌اند. جواد یاد الهام افتاده، یاد همدردش، یك اچ‌آی‌وی مثبت، یك مبتلا به ایدز، همزاد افسانه که ویروس را از شوهرش گرفت که وقتی رخ به رخ ایدز شد از خودش هزار بار پرسید چرا من؟ که وقتی با هزار نامه‌نگاری برای وضع حمل از این بیمارستان به آن بیمارستان کشیدندش، وقتی حتی یك تخت ندادند تا رویش دراز بکشد در راهروی یکی از همین بیمارستان‌ها بچه را سقط کرد.

جواد می‌گوید از این زن‌ها که فقط قربانی‌اند، زیادند ولی مردم انگ هرزگی به آنها می‌زنند و جام شوکران می‌ریزند توی حلقشان. او می‌گوید برای همین است که هنوز خیلی از اچ‌آی‌وی مثبت‌ها بیماری‌شان را از دیگران مخفی می‌کنند و ترجیح می‌دهند همان آدم معمولی سابق به نظر بیایند. جواد اما ترس را گذاشت کنار، پیه حرف و حدیث‌ها را به تنش مالید و نشست روبه‌روی دوربین شوك، بدون ماسکه شدن صورتش و از اچ‌آی‌وی گفت و ایدز، از سال‌ها نشئگی‌اش، از دربه‌دری‌های مواد، همان‌طور که توی اتاق، تنگ غروب، روی آن مبل‌های چرمی برای من گفت.

جواد ژولیده است، با آتش توی پیت حلبی خودش را گرم می‌کند، هروئین توی مشتش است، قاشق را می‌گذارد روی آتش، هروئین را می‌ریزد داخلش، سوزن را می‌گذارد روی رگش و... جواد نشئه است، سرنگ را پرت کرده گوشه‌ای، چرت می‌زند، هم‌پاتوق‌ها آمده‌اند، ملاقه را گذاشته‌اند روی پیت حلبی و هروئین‌ها را ریخته‌اند داخلش، هروئین آب شده، همه سرنگ دارند یکی نه ولی، چشم می‌گرداند، سرنگ جواد را پیدا می‌کند، خون داخلش نیست، سوزنش را می‌مالد به لباسش، فکر می‌کند تمیز شده، سرنگ را پر می‌کند از هروئین و سوزنش را می‌گذارد روی رگ باد کرده‌اش، همه سرنگ‌ها توی یك ملاقه است.

جواد می‌گوید از این خبط‌ها زیاد کرده است، می‌گوید روزهایی داشته که برای گرفتن یك سرنگ از داروخانه التماس کرده، ولی چون نداده‌اند گشته است توی زباله‌ها و این‌ور و آن‌ور پاتوق‌ها و همین که توی سرنگ ردی از خون ندیده آن را زده است به رگ خودش.

ده سال پیش کارمند آزمایشگاه محل، کاغذی آورد درخانه جواد، مادرش دم در بود، جواد سرك کشیده بود، گوش تیز کرده بود، شنیده بود که جوانك می‌گفت به جواد بگویید ایدز دارد، بگویید همین روزها می‌میرد، بگویید به کسی نزدیك نشود. سرش گیج رفته بود، دنیا هوار شده بود روی سرش، مرگ افتاده بود دنبالش و می‌ترسید، ایدز را هزار بار توی دهانش چرخانده بود، هزاربار به خودش گفته بود می‌میرم، هزار بار ترسیده بود، هزار بار زار زده بود، هزار بار گفته بود آنقدر مواد می‌زنم که بمیرم، سرگذاشته بود به بیابان، رفته بود بمیرد، هزار بار گفته بود غلط کردم اما یك بار، فقط یك بار از خودش نپرسیده بود چرا من؟ چرایش معلوم بود، یاد تزریق‌ها می‌افتاد، یاد رابطه‌هایش، یاد بودن با آدم‌های رنگ به رنگ، برای همین نپرسیده بود چرا من، حتی یك بار، حالا هم نمی‌پرسد، فقط با اچ‌آی‌وی کنار آمده، می‌داند که راهش کنار آمدن است، مواد را هم گذاشته کنار، سال‌هاست که پاك است، حالا جواد در موسسه‌ای مردم نهاد که کارش کاهش آسیب است به همه آدم‌های مثل خودش خدمت می‌کند و می‌کوشد به مردم توضیح دهد که فرق مثبت‌ها و منفی‌ها فقط داشتن یك ویروس است و فاصله مبتلایان به ایدز با مردم عادی فقط خوردن روزانه چند قرص و الزامشان به رعایت موازین اخلاقی و بهداشتی.

### انگ نه، شناسایی بله

مجتبی هفت سالش بود که از مدرسه بیرونش کردند توی ورامین. مدیر، خانواده‌ها را تحریك کرده بود علیه او که این پسرك ایدز دارد و همه بچه‌ها بزودی مریض می‌شوند. خانواده‌ها بسیج شدند، مجتبی هفت ساله را گذاشتند گوشه رینگ و تا خورد نثارش کردند. آنها بچه را از مدرسه انداختند بیرون. خانم بهرامی روی همان مبل‌های چرمی مشکی رنگ که من و جواد نشسته‌ایم دارد این ماجرا را تعریف می‌کند، ماجرای پارسال را. او می‌گوید می‌دانی مشکل این است که گرچه هیچ قانون نوشته شده‌ای برای اخراج آدم‌های مبتلا به ایدز از هیچ مکانی وجود ندارد، اما هیچ قانون نوشته شده‌ای نیز برای حمایت از این مبتلایان موجود نیست. جواد یاد زنی بی‌سرپرست افتاده که عضو باشگاه مثبت‌هاست، ولی کمیته امداد حاضر نشد او را تحت پوشش بگیرد فقط به خاطر اچ‌آی‌وی. قاسمی هم دوباره اشاره می‌کند به مجتبی که یتیم ایدز است (پدر و مادرش مبتلا بوده و مرده‌اند)، ولی مردم که از ایدز به اندازه کافی اطلاعات ندارند او و امثال او را گناهکار می‌دانند. جواد دوباره یاد چیزی افتاده، یاد آرایشگری که چهره‌اش را در قاب تلویزیون در برنامه بی‌تعارف شوك دیده بود و او را از مغازه‌اش بیرون انداخت، یاد چشم پزشکی‌هایی که حاضر نبودند بروبچه‌های مثبت را معاینه کنند و یاد بی‌شمار دندانپزشکی که حاضر نیستند به مبتلایان ایدز خدمات بدهند. جواد می‌گوید ما مثبت‌ها که یاد گرفته‌ایم وجدان داشته باشیم و اصولی را رعایت کنیم تا به مردم صدمه نزنیم و به خاطر فشارهای اجتماعی، زندگی سختی داریم برای همین دوست داریم گمنام بمانیم. قاسمی اما می‌گوید این فرهنگ آسیب‌زاست و برای همین است که خیلی از مردم ترجیح می‌دهند اصلا ندانند ایدز دارند و همین است که خیلی‌ها حتی آنهایی که رفتارهای پرخطر داشته‌اند بی خبری را ترجیح می‌دهند. او می‌گوید همه اینها خطر است، می‌گوید وزارت بهداشت تخمین زده که حدود صد هزار اچ‌آی‌وی مثبت در ایران زندگی می‌کنند درحالی که فقط ۳۶ هزار و اندی نفر از بیماری‌شان خبر دارند. او می‌گوید آن ۷۰ هزار و اندی بی‌خبر برای جامعه خطر دارند از این باب که ممکن است ندانسته مرتکب هر رفتاری شوند و اچ‌آی‌وی را شیوع دهند.

جواد دست به سینه نشسته، خیره شده به سرامیك‌های زمین، آه می‌کشد و می‌گوید ای‌کاش این همه به اچ‌آی‌وی مثبت‌ها انگ نمی‌زدند، اصلا ای کاش درباره‌شان قضاوت نمی‌کردند و ای‌کاش همه می‌دانستند که این هم یك بیماری است مثل بقیه مریضی‌ها. افسانه دوباره چشم‌هایش تر شده، تهمت هرزگی که به او زده‌اند همیشه‌هایش را بارانی می‌کند. افسانه فقط یك قربانی است، مثل صدها نفر دیگر، مثل الهام که بچه‌اش غریبانه سقط شد و مثل مجتبی که یتیم ایدز است، او اینها را هزار بار توی ذهنش تکرار کرده است.

گرچه هیچ قانون نوشته شده‌ای برای اخراج آدم‌های مبتلا به ایدز از هیچ مکانی وجود ندارد اما هیچ قانون نوشته شده‌ای نیز برای حمایت از این مبتلایان موجود نیست

## تکرار طرح‌های گور به گوری

مدیرکل حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست از اجرای مرحله جدید انتقال گورخر ایرانی به پارك ملی کویر خبر داد. گروه جامعه ۲۱ مهر امسال در همین صفحه در گزارشی به مرگ گونه‌های جانوری در طرح‌های انتقال و نجات پرداخته بود.

مجید خرازیان مقدم با اشاره به این‌که در سایت تکثیر و پرورش گوراب یزد ۲۲ رأس گورخر ایرانی وجود دارد، گفت: تا پایان آذر پنج رأس گورخر از سایت گوراب به پارك ملی کویر سمنان منتقل می‌شود که یك رأس آن نر و چهار رأس آنها ماده است.

به گزارش ایسنا، وی با بیان این‌که در سایت تکثیر و پرورش دره باغ استان فارس چهار رأس گورخر وجود دارد، عنوان کرد: دی امسال با انتقال این گورها به پارك ملی کویر این سایت تعطیل خواهد شد. همچنین قصد داریم امسال یا سال آینده ۱۱ رأس گورخری را که در سایت خبر کرمان وجود دارد به پارك ملی کویر منتقل و این سایت را نیز تعطیل کنیم.

براساس برآوردهای سازمان محیط زیست در دو زیستگاه طبیعی بهرام گور استان فارس و توران سمنان به ترتیب ۸۵۰ و ۲۲۰ رأس گورخر ایرانی وجود دارد، اما مدیر کل دفتر حیات وحش سازمان محیط زیست اعلام می‌کند با وجود بهبود جمعیت گورها طی یك دهه گذشته، قصد داریم این گونه را از طریق پرورش در سایت‌های تکثیر به زیستگاه‌های مادری مثل پارك ملی کویر سمنان معرفی کنیم.

خرازیان مقدم افزود: هدف سازمان حفاظت محیط زیست از نگهداری گونه‌های در معرض خطر انقراض در سایت‌های محصور و فنس کشی شده با عنوان سایت‌های تکثیر و پرورش این است که بتواند این گونه‌ها را احیا و دوباره به زیستگاه‌های طبیعی و مادری معرفی کند. به همین علت برای تکثیر و پرورش در اسارت گورخرهای ایرانی، شش سایت در استان‌های یزد (گوراب، تنگ حنا و پنج انگشتی)، کرمان (خَبر)، سمنان (توران) و فارس (دره باغ) راه‌اندازی شده است تا بتوانیم جمعیت گورخرها را تقویت کنیم.

امکان سنجی احیای گورخر ایرانی در پارك ملی کویر سمنان که یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین مناطق حفاظت شده ایران است و حتی در گذشته به دلیل تنوع گونه‌های جانوری به آفریقای کوچك معروف بود جزو برنامه‌های سازمان محیط زیست است. به اعتقاد مدیر کل حیات وحش سازمان محیط زیست در حال حاضر شرایط این زیستگاه مساعدتر و شبیه منطقه توران است، البته از ۳۳ سال پیش نسل گورخرهای این پارك منقرض شده که دلیل آن به تعارض بین دام و حیات وحش طی چهار دهه گذشته برمی‌گردد که خوشبختانه این تعارض تا حدی رفع شده است. البته دو ماه پیش هم عملیات انتقال گورخر ایرانی از توران به قرنطینه پارك ملی کویر انجام شد که از ده رأس گورخر انتقالی، پنج رأس تلف شدند. این کارشناس حیات وحش سازمان محیط زیست ادامه داد: در مورد عملیات انتقال گورها، یك گزارش ۱۵ صفحه‌ای به معاونت طبیعی ارائه دادم که طی آن همه اشتباه‌ها احصا شد. حتما باید این اشتباهات را بپذیریم، اما نباید از هدفی که داشتیم پا پس بکشیم.

خرازیان مقدم در پاسخ به این پرسش که آیا تضمین می‌دهید خطاهای عملیات انتقال قبلی مجددا تکرار نشود، با تاکید بر این که در دنیا عملیات انتقال حیات وحش بویژه در مورد پستانداران با ریسك بالا همراه است، گفت: در ایران هم طی دو سه دهه گذشته، عملیات انتقال گورخر ایرانی در بیشتر موارد بدون تلفات نبوده و با علم بر این که عملیات انتقال حیات وحش و گورخر با ریسك بالا همراه است باید اشکالات رفع و با نظارت مستقیم دفاتر تخصص معاونت محیط زیست طبیعی سازمان محیط زیست این انتقال انجام شود.

### گزارشی از مرگ آسان حیات وحش در طرح‌های نجات و زنده‌گیری حیوانات

# طرح‌های گور به گوری!

لیلا مرگن

جامعه

**تنها گورخر نر موجود در گله‌ای که قرار بود نسل گورخرها را در پارك ملی کویر احیا کند، در جریان نقل و انتقال گروهی تلف شد تا پروژه احیای نسل این گونه عقیم شود. این نخستین باری نیست که پرونده احیای نسل یك گونه، با مرگ حیات وحش به پایان می‌رسد. در سال ۸۸ هم احیای ببر مازندران به دلیل اشتباه در نحوه نگهداری از ببرهای سیبری وارداتی منجر به مرگ حیوان شد. سازمان حفاظت محیط زیست در استفاده از سلاح بیهوشی چندان خوشنام نیست. حدود یك سال گذشته دست‌کم یك پلنگ و یك خرس قهوه‌ای نیز در جریان استفاده از داروی بیهوشی کشته شده‌اند. حالا که بعد از سه دهه مسؤولان سازمان حفاظت محیط زیست تصمیم به احیای نسل گور در پارك ملی توران گرفتند، باز هم استفاده از داروی بیهوشی دردسرساز شده است. این بار در نتیجه استفاده از این دارو در جریان نقل و انتقال گورهای ایرانی از توران به پارك ملی کویر از زیستگاه‌های مهم گورخر ایرانی پارك ملی کویر است. مسؤولان سازمان حفاظت محیط زیست قصد داشتند این گونه را بار دیگر بعد از سه دهه به این زیستگاه معرفی کنند، به همین دلیل تلاش کردند گله‌ای ده راسی از گورخرهای سایت علمی و تحقیقاتی توران را به پارك ملی کویر منتقل کنند.**

پس از عملیات زنده‌گیری، عباسعلی دامنگیر مدیرکل محیط‌زیست استان سمنان میزان موفقیت پروژه را ۷۰ درصد اعلام کرد و از احیای نسل گورخرها در پارك ملی کویر بعد از ۳۳ سال خبر داد. آن طور که او گفت اگر این حیوانات از طریق حمل و نقل هوایی منتقل می‌شدند، موفقیت پروژه تا ۹۰ درصد افزایش می‌یافت، اما چند روز بعد از اعلام خبر احیای نسل گورخر در پارك ملی کویر مشخص شد پنج راس از ده راس گورخرهای گله (که یکی از آنها تنها گورخر نر این جمعیت بود)، در جریان نقل و انتقالات تلف شده‌اند.

مجید خرازیان‌مقدم، مدیر کل دفتر حیات وحش، آبزیان آب‌های داخلی سازمان حفاظت محیط زیست درباره تلف شدن این پنج راس گورخر به رسانه‌ها گفت: یك راس گورخر در ابتدای

تصویری از صفحه ۱۸ منتشر شده در تاریخ ۲۱ مهر ۹۷

## رکورددارانِ اهدای خون

سخنگوی سازمان انتقال خون ایران گفت: بیشترین اهداکنندگان خون ۲۶ تا ۳۵ سال دارند که ۳۸ درصد از اهداکنندگان خون در کشور را تشکیل می‌دهند.

به گزارش ایرنا، بشیر حاجی‌بیگی افزود: اهداکنندگان در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال هم دومین رتبه از نظر اهدای خون در کشور را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که کمترین میزان اهدای خون در کشور متعلق به گروه سنی ۵۶ تا ۶۰ سال است که ۳ درصد از جمعیت اهداکنندگان را شامل می‌شوند. وی عنوان کرد: اهداکنندگان خون بین سنین ۱۸ تا ۲۵ سال شامل ۱۷ درصد و افراد در گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال ۱۵ درصد از اهداکنندگان خون را تشکیل می‌دهند.

حاجی بیگی ادامه داد: از هر فرد سالم بالای ۵۰ کیلوگرم وزن و سن بالای ۱۸ تا ۶۰ سال ۱۰-۵ سی‌سی یا میلی‌لیتر به ازای هر کیلوگرم وزن بدن خون گرفته می‌شود. وی تصریح کرد: حجم کیسه‌های خون اهدایی ۴۵۰ سی‌سی یا میلی لیتر است و ۶۳ سی‌سی ماده ضد انعقادی درون کیسه‌های خون موجود است. سخنگوی سازمان انتقال خون گفت: حداقل سن قابل قبول برای اهدای خون ۱۸ سال تمام و حداکثر سن ۶۰ سال تمام است.

حاجی بیگی افزود: حداکثر سن برای اولین اهدای خون ۶۰ سال است و برای دفعات بعدی اهداکننده مستمر (با سابقه حداقل دو بار اهدای خون در سال) حداکثر ۶۵ سال است. وی درباره ضرورت اهدای خون تصریح کرد: خون سالم، نجات دهنده زندگی است و همه روزه، در سراسر جهان بسیاری از افراد به خون و فرآورده‌های خونی نیاز دارند، به طوری که از هر سه نفر مردم دنیا، یك نفر در طول زندگی احتیاج به تزریق خون و فرآورده‌های خونی پیدا می‌کند. حاجی بیگی گفت: بارزترین مثال برای موقعیت‌هایی که در آن نیاز مبرم به خون پیدا می‌شود، شامل زمان بروز حوادث و سوانح گوناگونی نظیر تصادفات رانندگی، سوختگی‌ها و اعمال جراحی است.

وی بیان کرد: همچنین زنان باردار در حین زایمان، نوزادان و بخصوص نوزادان نارس که به زردی دچار می‌شوند، نیازمند خون هستند و از طرفی بیماران مبتلا به سرطان که تحت شیمی‌درمانی یا اشعه درمانی قرار دارند هم از مصرف‌کنندگان خون و فرآورده‌های خون به شمار می‌روند.